

Noor Asharaf

Assistant Professor (Guest Faculty)

Dept. of Persian, MMHAPU, PATNA

Email: ashrafjnu@gmail.com

E-Content

Sem-1, Paper code: 102

Persian (M A)

Topic: Khaqani Shirvani

افضل‌الدین بدیل بن علی خاقانی شروانی، متخلص به خاقانی از جمله نامدارترین شاعران ایرانی و بزرگ‌ترین قصیده‌سرایان تاریخ شعر و ادب فارسی به‌شمار می‌آید. افضل‌الدین بدیل بن علی خاقانی حقایقی شروانی در سال ۵۲۰ (قمری) در شهر شروان به دنیا آمد. پدرش نجیب‌الدین علی مروی درودگر (نجار) بود. مادر او مسیحی نسطوری بود که به اسلام گرویده بود. عمویش کافی‌الدین عمر، طبیب و فیلسوف بود و خاقانی تا بیست‌وپنج سالگی در سایه حمایت او بود و در نزد او انواع علوم ادبی و حکمی را فرا گرفت.

افضل‌الدین بدیل بن علی خاقانی حقایقی شروانی، ملقب به «حسان العجم» و متخلص به خاقانی، شاعر نامدار ایرانی در قرن ششم هجری و از بزرگ‌ترین قصیده‌سرایان زبان و ادب فارسی است. او در ابتدا «حقایقی» تخلص می‌کرد و پس از ورود به دربار خاقان شروانشاه، لقب «خاقانی» را برایش انتخاب کردند. خاقانی به «شاعر صبح» نیز شهرت دارد؛ چراکه به کرات و به زیباترین شکل ممکن، از صبح و سپیده‌دم در اشعار خود سخن می‌گوید. علاقه خاقانی به سپیده‌دم و استفاده بسیار از طلوع روز در اشعارش، او را به «شاعر صبح» ملقب کرده است. چندی نیز در خدمت ابوالعلاء گنجه‌ای شاعر بزرگ معاصر خود که در دستگاه شروانشاهان به‌سر می‌برد، کسب فنون شاعری کرد. پس از آنکه ابوالعلاء وی را به خدمت خاقان منوچهر شروانشاه معرفی کرد لقب «خاقانی» بر او نهاد.

در حدود سال ۵۵۰ به امید دیدار استادان خراسان و دربارهای مشرق روی به عراق نهاد و تازی رفت. در آنجا بیمار شد، و والی ری او را از ادامه سفر بازداشت و خاقانی مجبور به بازگشت به

«حبسگاه شروان» گشت. پس از مدتی توقف در شروان به قصد حج و دیدن امرای عراقین از شروانشاه اجازه سفر گرفت و در زیارت مکه و مدینه چندین قصیده سرود. در حدود سال ۵۵۱ یا ۵۵۲ سرگرم سرودن مثنوی تحفةالعراقین بود. در راه سفر به بغداد، از ایوان مدائن گذر کرد و قصیده غرای خود را درباره آن ساخت. خاقانی شاعری اهل سیاحت بود و در سفرهای خود از شهرهای بغداد، کوفه، مدائن، ری، اصفهان، همدان، شام، موصل و ارمنستان آن روزگار گذشت و در هر شهری با عالمان و شاعران و بزرگان آن دیدار کرد. خاقانی در میان شاعران، به سنایی غزنوی ارادتی خاص داشت و خود را بدیل او می‌خواند: «بدل من آمدم اندر جهان سنایی را / بدین دلیل پدر نام من بدیل نهاد.» او در سرودن قصاید عارفانه از شیوه سنایی پیروی می‌کرد.

خاقانی شروانی به‌خصوص در قصیده، صاحب سبک و از قوت اندیشه و مهارت کم‌نظیری در ترکیب‌سازی و مضمون‌پردازی برخوردار است. خاقانی علاوه بر دیوان، صاحب منظومه‌ای به نام تحفةالعراقین و نیز اثر دیگری به نام منشآت است که در برگزیده نامه‌های اوست. زادگاه خاقانی آنچنانکه از موارد بسیار در دیوان او و به عبارت‌های مختلف برمی‌آید، شهر شروان از بلاد قفقاز در شمال رود کُر است و در بسیاری از کتاب‌های تاریخی و جغرافیایی و تذکره‌ها نیز شروان به عنوان موطن خاقانی ذکر شده‌است، و اینکه بعضی از تذکره‌نویسان متأخر زادگاه او را به صورت «شیروان» ذکر کرده‌اند نادرست است. از موارد متعدد در دیوان او این ابیات را می‌توان به‌عنوان شاهد نقل کرد:

عیب شروان مکن که خاقانی هست از آن شهر کابتدای شراست

عیب شهری چرا کنی بدو حرف کاوّل شرع و آخر بشر است

شروان کهن بعد از انقراض آخرین سلسله شروانشاهان و استیلای صفویه بر آن شهر، و دست به دست گشتن‌های آن میان ایران و عثمانی ظاهراً ویران شده است و جهانگردان در اواخر عصر صفویه ویرانه‌های خالی از سکنه آن را دیده‌اند. اما شیروان وطن زین‌العابدین شیروانی و بهار شیروانی نام جدید آن ناحیه و ولایت است و شهر مرکز آن شماخی است.

حدود ۲۰ سال پایان زندگی خاقانی بیشتر در شهر تبریز گذشت و سرانجام چراغ عمرش هم در همین شهر خاموش شد. وفات او را بین سال‌های ۵۹۱ تا ۵۹۵ هجری تخمین زده‌اند و جسمش نیز برای همیشه در مقبره الشعرا سرخاب تبریز آرام گرفت.